

# هنرمند گل‌بهار، بادینان و شوپاری

نوشته ی آزاد کریمی

25 July, 2024- Facebook



Photo:<https://www.saradistribution.com/>

هنگامی که خداوند قامت بلند و زیبایی کردستان را آفرید، به فرشتگان دستور داد تا برای این تن شایسته، جامه ای گران قیمت بدوزند.

ایزدان خرقه ارغوانی دوختند و بر دوش کردستان انداختند.

بادینان و بۆتان پشت و روی این خرقه‌ی ارغوانی هستند.

خانم گلبهار که اهل بادینان بودند چند سال پیش از دنیا رفت. او از خوانندگان قدیمی موسیقی کردی در لهجه ی کورمانجی هستند و من صدای زنانه و مهربان او را از زمانی که کودکی هفت یا هشت ساله بودم همیشه دوست داشتم. صدای او را از رادیوی کردی بغداد می شنیدم.

او بسیار نوستالژیک این ترانه ی آخر خود را خوانده است .

این ترانه ی ناتورالیستی از اعماق احساسات بومی مردم بهدینان و منطقه ی میانه ی رودخانه های زاب بزرگ و خابور برمی خیزد.

بهدینان از زمانهای بسیار قدیم یکی از کانونهای فرهنگی و تاریخی کردستان باستان بود. یکی از اقوامی که در آنجا می زیستند شوبارتی ها بودند. شوبارتی نام این قوم در فرهنگ سومر است.

شوپاری در تعبیرات عارفانه ی باستانی آیین بایی یا ترازوی تعادل برای عدالت، یعنی سایه و تعبیر سایه در نمادهای مصر باستان پلک چشم است.

این چشم که مرکز آفرینش (کور-دیلمون) یا سقز کنونی است در رایزینگ برج میزان قرار دارد که نماد آن ترازوی عدالت است. و بادینان پلک چشم این چشم است.

نامهای دیگر شوبارتی عبارتند از شوباری، شوپاری، شیپاری، سپیاری، سوباری، زیباری.

شوپاری در زبان سومری که پدر زبان کردی کنونی است به معنی پلک چشم است.

المان چوپاری، کوپاری، کهپری، کهپر یا سایه بان تجسم سازمانی مادی آن است. در تعبیر عارفانه آیین میترایی کردی باستان که سرچشمه ی عرفان کنونی در ادیان مرتبط با آیین الخاسی یا ناتورالیسم خداوند خالق است به معنای عامل خماری چشم مخلوق اول (هوخشه‌تیره) به خالق خود یعنی خدای توانای خالق است.

این عامل گوهر خلقت یعنی آب پاک است. یعنی اشک چشم. بنابراین شوپاری به معنای چشم زیبا است که در خماری (افتادگی پلک چشم تا نیمه) آن جلوه گر است.

هوخشه‌تیره یک گوهر آبدار سه گوشه ی چرخان و رها (پله) بود. یعنی درویش، شوریده، نوشیدر، خوشه‌دهره، نهرده‌شیره، نهرده‌شیر، شیروورد، سووره‌مورد، شیروان، زردشت و نماد آن مثلث چرخان یا خوشه انگور است. و آن پایه ی خلقت است و از ازل، جاودانگی و ابد تشکیل شده است. هوخشه‌تیره گوشت تن خدای خالق از پهلوی راست او (پهراسو) است.

گوشت تن خدای خالق عبارت است از روشنایی جاری که مانند رودخانه است. بنابراین ذات هوشه‌تیره از پوست خدا است که به سایه تعبیر شده است و اگر روشنایی ذات خدا را چشم تعبیر کنیم پلک آن همان پوست یا سایه است و آن پهراسو یا سوپاری یا شوپاری است.

اما چرا این نام مقدس برای این قوم در بهدینان و کرانه‌های رودخانه‌ی زاب بزرگ انتخاب شده است؟

همانطور که گفتم اجداد کردها بنیانگذاران خدایپرستی بوده‌اند. آنها عارف و صوفی بودند. آنها این رودخانه‌ی روشن و بزرگ و خروشان و دائمی را به منبع زندگی تشبیه کرده‌اند و چون خودشان در بلندیهای سمت چپ آن که موضع ازل یا زحل است سکونت کردند به شوپاری معروف شدند. یعنی رودخانه‌ی زاب چشم است و کوههای سمت چپ آن پلک این چشم.

ببخشید! اول صبح است و من باید زندگی روزمره را آغاز کنم و کارهای زیادی برای انجام دادن دارم، بنابراین بیشتر از این نمی‌نویسم.

اما خوب است بدانید بادینان شامل شهرهای آمدی، آکری، زاخو، دهوک، شیلادزی، سیمیل، و شیخان است.

در نهایت اضافه‌کنم من یک انسان عادی هستم و با ستاره‌شناسی ارتباطی ندارم. همچنین با جادو و فال گرفتن و تماشا کردن کف دست هیچ‌آشنایی ندارم. من با موجودات غیر عادی ارتباطی ندارم. من دشمنانم را به دست خدایی که به آن اعتقاد دارم سپرده‌ام تا در اسارت اراده‌ی او باشند و به من آسیب نرسانند. زیرا این زندگی برای ما یک موهبت است و نباید افرادی که افکار منفی و ویرانگر دارند به ما آسیب بزنند.

اما خوب است همه‌ی ما دارای سطح بالایی از فرهنگ و تمدن باشیم که افکار دیگران را اگر هم نمی‌پذیریم با سخنان زشت و افترا و دشنام مورد هدف قرار ندهیم.

من فقط توصیه می‌کنم. اگر دوست دارید، این کار را انجام دهید تا ببینید دیگران چقدر آن را می‌خوانند.